

کمونیست



کمونیست - شماره ۱ (سال یکم)

سازمان انقلاب بین کمونیست (م-ل)

شهریور ماه ۱۳۴۹

"طلوع شفق صبح نزدیک میشود ، ما باید با تمام نیرو کوشش کنیم"

اوج گیری نوینی در مبارزات انقلابی خلقها سرتاسر جهان را فرا گرفته است. خلقهای انقلابی آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین، یک بیک، اسلحه بدست به پیکار نهایی علیه امپریالیسم ایالات متحده میثابتند و این دشمن شماره یک جامعه بشری را کشتار کشتار بگورستان تاریخ میبرند. راه انقلاب قهرآمیز، کاملاً و بطور قطع توسط کلیه خلقهای ستمدیده جهان بشما راه رهائی بشریت از استثمار و بندگی باز شناخته شده و روز بروز دامنه قهر انقلابی خلقها بسط میابد. بسط جنگ تجار-وزکارانه امپریالیسم آمریکا در کامبوج و لاتوس و اوج گرفتن فاصله جنگ توده ای خلقهای هندوچین علیه امپریالیسمهای آمریکائی و سگان زنجیرشان، آمادگی خلقها را برای تعرض انقلابی مقابل در مقیاس جهانی نشان میدهد. در خاور میانه، توطئه امپریالیسم آمریکا تحت عنوان "ابتکار سیاسی" که برای ایجاد یک صلح ارتجاعی در آن منطقه و سرکوب جنگ حق طلبانه خلق فلسطین علیه امپریالیسم و صهیونیسم علم شده بود نقش بر آب گردید، و خلق فلسطین

خشناکتر از پیش بدامنه انقلاب مسلحانه خود وسعت بخشید. امواج انقلاب مسلحانه در هند، منطقه خلیج فارس، تایلند، مالایا، فیلیپین رشد بیسابقه ای یافته است. موج نوین مبارزه در ممالک خفقان زده ای نظیر ترکیه و ایران نیز، راه عظیم جنگ توده ای را هموار میگرداند. در نیوزلند، اروپا و آمریکای شمالی نیز مبارزات رشد نوینی یافته است. در استرالیا طبقه کارگر بوسعت بیسابقه ای برمیخیزد. اوضاع اقتصادی و سیاسی امپریالیسم آمریکا، بویژه در اثر بسط جنگ غیر عادلانه اش در هندوچین، هر روز اسفناکتر شده و موج جنبش جوانان و کارگران ایالات متحده، بویژه مبارزات انقلابی توده های زحمتکش سیاهپوست در ایالت متحده را بوجود آورده است.

سال ۱۳۴۹، سال اوج نوین انقلاب در مقیاس جهانیست. رفیق مائوتسه دون با روشنگری خصصاً مارکسیستی - لنینیستی خود ارزیابی علی دوران کمونی را بدست داده و خاطر نشان کرده که علیرغم خطر جنگ نوین جهانی "جریان عمده عصر کمونی در جهان جریان انقلاب است." مائوتسه دون با رد کردن تئوریهای تسلیم طلبانه و پاسیفیستی روزیونیستهای نوین میاموزد که تنها راه رسیدن بصلح جاویدان در سطح جهان و تنها راه پیشگیری از جنگ جهانی نوینی، توسعه جنگ

توده ای در مقیاس بین الطلی است؛ و این توسعه یابی بطور عینی، جریان عمده عصر کمونیست است. اوج گیری نوین مبارزات انقلابی خلقها در مقیاس جهانی، تجسم مشخص خود را در میهن ما، ایران، بصورت موج نوین مبارزات مردم ما نشان داد. از دوم اسفند ماه ۱۳۴۸ بعد، مبارزه انقلابی خلقهای ایران همچون تندری سرتاسر فضای میهن ما را فرا گرفته است. مردم تهران از دانشجویان و مدخلین گرفته شده تا یازاریان، کسبه، پیشه وران و کارگران با پیش کشیدن وضع اتوبوسرانی تهران، جنبش توده ای وسیعی علیه رژیم ضد خلقی و ضد دیندارانه شاه را داشتند. با بکار بردن شیوه قهر و خشونت انقلابی علیه قهر و خشونت ضد انقلابی رژیم را وارد به پس نشینی و تسلیم نمودند. تشکل ها و هسته های روشنفکران انقلابی و جوانان توانستند که با برنامه ریزی مقداتی، جنبش نوین مردم را تا حدودی از حالت خود بخودی بودن بیرون آورده، و با پیوند دادن فعالیتهای خود با مبارزات توده های زحمتکش محتوی مبارزات خود را بسط بالایی تری ارتقا دهند. این جریان طی مبارزات تعرضی متعدد طی موج آسا ادامه یافت. اعتصابات و تظاهرات بقیه در صفحه ۷

"کمونیست" بشما ارگان سیاسی یکی از سازمانهای مارکسیستی - لنینیستی ایران در خدمت پیشبرد انقلاب ایران و جنبش نوین کمونیستی ایران است. "کمونیست" تمام عناصر و تشکل های مارکسیست لنینیست ایران - بویژه در خارج از کشور - را فرا میخواند که با تمام نیرو در جهت ایجاد پیوند انقلابی میان جنبش نوین کمونیستی و جنبش کارگران و دهقانان ایران (بویژه دهقانان) بخاطر ایجاد هسته های کمونیستی رزمده در مناطق روستایی و در جهت برپا داشتن مبارزه مسلحانه گام بردارند. "کمونیست" معتقد است که هیچ سازمانی در مرحله کنونی حق ندارد که خود را یگانه سازمان مارکسیست - لنینیست ایران - چه در داخل کشور و چه در خارج - اعلام دارد. مرکزیت جنبش نوین کمونیستی ایران - چه در داخل و چه در خارج از کشور - بر مبنای پیوند رزمده مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائوتسه دون با جنبش کارگران و دهقانان ایران و در طرفان مبارزه انقلابی ایجاد میشود و نه جدا از آن. هرگونه انحراف از این اصل، انحراف از مارکسیسم - لنینیسم است. رهائی خلقهای ایران در پیروی از اندیشه های مائوتسه دون است. با پیروی بی چون و چرا از اندیشه های سرخ مائوتسه دون و تشکل در تشکل های مارکسیستی - لنینیستی و انقلابی خود را میان توده های میلیونی زحمتکش ایران بیافکنیم و مبارزه مسلحانه ایران را تدارک دهیم، و در این جریان، حزب کمونیست (مارکسیست - لنینیست) ایران را بوجود آوریم.

سبک کار اپورتونیستی را انتقاد و طرد کنیم

شاه از هیچ کاری مضایقه نمیکند، اپورتونیستهای توفانی و انواع گرایشهای تفرقه افکنی معروف بجزایرات انحلال - طلبی عوامل مخرب درون جنبش نوین کمونیستی اند. این یاد های مخالف و ناسالم که برخاسته یک جامعه طبقاتی است، همیشه و در هر جنبشی ظهور کرده است. در آستانه تکوین هر جنبش نوینی کسانی یافت می شوند که باقتضای مد روز قبا ای انقلابی بخود پوشیده و با استفاده از ناآگاهی برخی از کسانیکه واقفا خواهان مبارزه اند بدرون جنبش نفوذ کرده و سعی در بکجراه کشیدن آن میکنند - اپورتونیستهای "توفانی" از این قماشند. همچنین، در پیوسته رشد هر جنبش و یا سازمانی، و یا در برابر مشکلات نوینی که پیش میاید کسانی یافت میشوند که بهراس افتاده و بنیای ناسازگاری بقیه در صفحه ۲

جنبش نوین کمونیستی ایران در دوره کمونی اگر چه هنوز با توده های زحمتکش پیوندی استوار نیافته، بوحث درونی خود نرسیده و حزب واحد خود را بوجود نیآورده، ولی توانسته است که در پرتو اندیشه های انقلابی رفیق مائوتسه دون و تجربیات گرانبهای خلقهای در حال انقلاب، بجمع بندی نسبتاً خوبی از گذشته و حال خود دست یابد و سمت صحیحی نشان دهد. راه بطور کلی، روشن است. ولی، کار بس طولانی و دشوار. پهای زیادی را باید پشت سر گذارد تا بتوان حزب انقلابی طبقه کارگر ایران را بوجود آورد. در این جریان، با د های مخالف و ناسالمی همچنان خواهند ورزید و در جنبش مردم ما گرد و خاک خواهند کرد. امروز، پیشروان روزیونیستها و مرتدان حزب توده (معروف بکمیته مرکزی) که در همکاری با سوسیال - امپریالیسم و رژیم

جنبش نوین کمونیستی را با مبارزات کارگران و دهقانان ایران پیوند دهیم

سبک کار ...

را میگذرانند ، برای توجیه موقعیت خود به تئوری بافی
میپردازند و بسنگ اندازی مبادرت میورزند - تفرقه افکنان
اپورتونیست (معروف بانحلال طلبان) از اینگونه کما -
نند . بدینسان در برابر جنبش نوین کمونیستی ما اپور -
تونیستهای نوینی هم قد علم کرده اند . اینان کسانیند
که در زیر پرچم مارکسیسم - لنینیسم بلندبیشه مائوتسه ون
علیه مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائوتسه دون مبارزه
برخاسته اند ، در برابر پرچم سرخ ، پرچم سرخ تکان
میدهند ، و با طرح مسایل انحرافی به آشفتگی اوضاع
دامن میزنند . این وظیفه کمونیستهای ایران است که
بخاطر پیشبرد انقلاب ایران با رویزیونیسم و تبلیغات
فرمیستی و تسلیم طلبانه " کمیته مرکزی " مبارزه نمایند ،
و نیز با استواری هرچه بیشتر گرایشهای ناسالم و اپور -
تونیستی دیگر را افشاء و طرد کنند . ما باید در عین
حال که هر گونه رویزیونیسم و اپورتونیسم را از لحاظ
استراتژیک محکوم بشکست و طرد می‌کنیم و خوار می -
شماریم ، از لحاظ تاکتیک و در هر موقعیت مشخصی آنرا
جدی بگیریم و با آن سخت مبارزه کنیم . " تمام افکار اشتباه -
آمیز ، تمام گیاهان سمی و تمام اهریمنان افعی صفت
باید مورد انتقاد قرار گیرند و بهیچ وجه نباید راه را
برای اشاعه آنها باز گذاشت . " (مائوتسه ون) . بدون
انتقاد از افکار ناسالم ، بدون مبارزه پیگیر علیه گرایشهای
ارتجاعی و ضد جنبشی نمیتوان جنبش نوین کمونیستی
را در مسیر سالم خود هدایت کرد و در جهت تأمین
پیروزی انقلاب دمکراتیک نوین خلقهای ایران گام برداشت .
" تمام پدیده های ارتجاعی با هم می‌کشانند ، اگر آنها را
ترتیب ، ساقط نخواهند شد . این درست مانند جاروب
کردن کف اطاق است - علی القاعده ، خس و خاشاک از
همه جا جاروب می‌شود و در نهایت سبک کار می‌گردد . "

(مائوتسه ون) .

اکنون مارکسیست لنینیستهای واقعی - دست
کم در خارج از کشور - توانسته اند که با طرد ارزیابی
های اپورتونیستی گذشته و حال جنبش و بدور افکنان
مواضع و سیاستهای اشتباه آمیز ، سمت صحیح را در
استراتژی و برنامه خود پیش گرفته و راه انجام وظیفه مبرم
دوره کنونی - یعنی راه ایجاد حزب مارکسیستی -
لنینیستی کمونیست ایران - را دریابند . شکی نیست
که بسیاری از کمونیستهای صادقی که با اشتباه در گرد -
اب اپورتونیسم " توفان " افتاده و یا آنکه فریب تبلیغات
محافل تفرقه افکن انحلالی را خورده اند ، راه را باز
خواهند یافت و با رشد و گسترش مبارزه انقلابی بصوف
مارکسیست - لنینیستهای ایران باز خواهند گشت .
ولی ، این کافی نیست که کمونیستها در مسایل
استراتژی و برنامه بمرزندی دقیق مبادرت ورزند . مسئله
سبک کار نیز دارای اهمیت است .

خط مشی و برنامه سیاسی بمحض آنکه معین شود ،
سبک کار ما بیک عامل تعیین کننده بدل میشود . حتی
یک سازمان که دارای خط مشی و برنامه سیاسی صحیحی
است و مبارزات مثبتی نیز انجام داده ، اگر سبک کار خود
توجه نکند ، در عملی کردن سیاستهای عمومی و در
تعیین رهنمود های مشخص دچار دهننگری شود ، در
مناسبات خود یا دیگران در درون جنبش دچار سنگنا -
ریم و عدم احساس مسئولیت سیاسی گردد ، و بشیوه -
های ناصحیح کار و تاکتیکهای غیر اصولی توسل جوید ،
بی شک از جاده اصلی منحرف شده و به اپورتونیسم مبتلا
خواهد شد . " تحلیل سوزکونیستی اوضاع سیاسی و
هدایت سوزکونیستی امور ناگزیر یا به اپورتونیسم و یا به

پوچیسم منجر میگردد . " (مائوتسه ون) . لنین در رابطه
با موضع غلط منشویکیها در کنگره دوم حزب سوسیال -
دمکرات روسیه گفته بود که منشویکیها مبتلا به اپورتونیسم
در مسایل تشکیلاتی اند که بی شک - اگر همچنان براه
خود ادامه دهند - به اپورتونیسم در مسایل دیگر
(در مسایل سیاسی ، برنامه و تاکتیکها) نیز مبتلا
خواهند گشت . ما معتقدیم که اپورتونیسم در سبک کار
یک کمونیست و یا یک سازمان کمونیستی نیز ، بی شک -
اگر همچنان ادامه یابد - اپورتونیسم در مسایل دیگر را
پار خواهد آورد .

تفرقه افکنان انحلال طلب همراه با نظرات سیاسی
غلط خود ، سبک کار ضد توده ای و اپورتونیستی ای در
درون جنبش شیوع داده اند . آنها هیچ گونه مسئولیتی
در برابر انقلاب ایران احساس نمیکند . بجای طرح
مسایل سیاسی مورد اختلاف خود در میان توده ها ،
بشیوه مبتدل پشت سر بدگوشی کردن ، ایرادگیری و نق -
نق کردن و انتقام جوئی نمودن میپردازند . آنها بجای
فروتنی ، خود ستائی میکنند ، و از بهتان زدنهای بسی
اساس و شایعه سازی در بیخ نمیمانند . آنها از شیوه
پلیسی لودادن افراد و مسایل درونی یک سازمان
استفاده میکنند و از این رونیتوان و نباید بایشان
اعتماد کرد .

ولی ، این بسیار قابل تأسف است که این چنین
سبک کاری را در میان کسانی مشاهده کنیم که سابقه
مبارزه ضد رویزیونیستی و ضد اپورتونیستی داشته و می -
خواهند در سمت صحیحی حرکت کنند . این بسیار رنج -
آور است که سازمانی مارکسیستی - لنینیستی مانند
" سازمان انقلابی حزب توده ایران در خارج از کشور " که دارای برنامه و سمت گیری سیاسی صحیح است در
برایک عود و در مسابقات خود با مارکسیست

لنینیستها و مبارزین دیگر دچار تاکتیکها و شیوه های کاری
شود که هرگز شایسته انقلاب بین و مارکسیست - لنینیستها
نمیشد . ما فکر میکنیم که غلط است و ضد پروتزیست
کار کسانی که از مواضع کل جنبش مردم و کل جنبش
کمونیستی حرکت نمیکند ، و بلکه برای رسیدن بخورده -
موفقیتهای آبی و فوری بکارهای غیر اصولی دست میزنند ،
در حرف از خدمت بخلق " صحبت میکنند ولی در عمل
ببرخوردهای ضد خلقی و ضد اصولی علیه رفقا و مبارزین
زین دیگر مبادرت میورزند ، " خطاهای خود را روپوشی
میکند و تمام خدمات را بخود نسبت میدهند و همه
اشتباهات را بگردن دیگران میاندازند ، " در پشت سر
افراد به پیچ پیچ کردن ، غر و لوند و شایعه سازی و بد -
گوشی میپردازند و در جلوی روی افراد متعلقان دست
دوستی تکان میدهند ، بالا بردن خود را در تخریب
حیثیت رفقا و مبارزین دیگر مینیند ، بتوده ها دروغ می -
گویند ، به لافزنی و خود ستائی میپردازند و بدینسان
" از میان رفقا برای خود مشتری جمع میکنند . " این
سبک کار ، سبک کار مبتدل و غیر کمونیستی است و بسا
چنین اعمالی نمیتوان خود را کاملاً در جهت پیشبرد و
خدمت به انقلاب خلقهای ایران قرار داد . این
چنین سبک کاری نمیتواند در جهت " وحدت اصولی
مارکسیست - لنینیستها " سیر کند .

ما مصرانه خواهانیم که رفقای " سازمان انقلابی "
باین مسئله توجه جدی کنند . آیا این یک سازمان
کمونیستی است که این چنین سبک کاری را در میلان
اعضای و هواداران خود تشویق میکند ، یا اینکه عناصر
مضری که هنوز دفع نشده اند ؟
هنگامیکه مبارزه علیه امپریالیسم و نوکران داخلش

بقیه در صفحه ۷

زنده باد گسترش ...

موجه این امر است و هرگز اتکاء خود را بر دول
تسلیم طلبی همچون اردن و مصر نگذارده و نخواهد
گذارد . اتکاء خلق فلسطین بر وحدت رزمنده توده های
مردم و نیروهای مسلح انقلاب فلسطین است و تنها زبانی
که خلق فلسطین در پاسخ به پیشنهادهای توطئه گرانه امیر -
یالیستها بکار خواهد برد " زبان گلوله و بمب " (فتح) .
یکبار دیگر رویزیونیستهای شوروی نیز سیاست تباخی
بین المللی خود را با امپریالیسم آمریکا و نقش مخرب خود
را ، در جنبشهای انقلابی خلقها بویلا کرده اند . خلق
فلسطین با قاطعیت این سیاست منافقانه رویزیونیسم شو -
روی را نقش بر آب کرده و از طریق ارگان مرکزی خود " فتح " -
چنین پاسخ گفت : " امر فلسطین ، امر خودمان است .
هیچکس دیگر حق دخالت در آنرا ندارد . هر گاه کسی
بخواهد از موضع انترناسیونالیستی حرکت نماید باید در
جانب ما قرار گیرد و یا اینکه زبانشرا ببندد ، در غیر
اینصورت کسیکه درق الباب کند باید انتظار پاسخ آنرا
نیز داشته باشد . " بگذار سوسیال - امپریالیستها
باز هم درق الباب کنند ، خلق فلسطین آنها نیز با
" گلوله و بمب " پاسخ خواهد گفت .

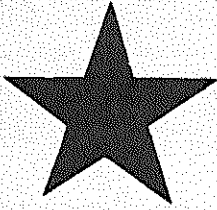
انقلاب فلسطین تاثیر بسیار عمیقی در جنبش انقلا -
بی توده های مردم ایران دارا میباشد . خلقهای ایران
با پیوند نزدیک خود با خلق فلسطین و دیگر خلقهای
عرب تا آخر پشتیبان جنگ توده ای ضد امپریالیستی و
ضد صهیونیستی خلق فلسطین اند . تظاهرات رزمنده
مردم ایران در فروردین ماه بر علیه صهیونیسم اسرائیل
و امپریالیسم آمریکا نشاندهنده این پیوند عمیق است .
خلق فلسطین همراه با دیگر خلقهای عرب بی شک با
پیگیری در جنگ توده ای و توسعه دامنه انقلاب قهرآمیز
حکومت صهیونیستی اسرائیل را بزانو در آورده و امپریال
لیسم آمریکا و رژیمهای وابسته آن را در سرزمینهای عربین
شکست خواهند داد .

انقلاب بدهند ...

اساسی مبارزه دهقانان انقلابی با رهبری پرولتری ، جنگ
یارتیزانی است .
حزب کمونیست هند (م - دل) و جنگ دهقانان هند
در رابطه مستقیم با مبارزه علیه رویزیونیسم رشد و توسعه
یافته است . رفیق چارومازید ار گفت " رشد و توسعه
حزب ما نه تنها بستگی باین دارد که ما تا چه حد مصممانه
در داخل و خارج از حزب علیه رویزیونیسم مبارزه کنیم ، بلکه
رشد و توسعه مبارزه مسلحانه دهقانان نیز بستگی باین
مبارزه ما بر علیه رویزیونیسم است . "
تجربیات حزبی سازی در هند نیمه مستعمره - نیمه فئودال ،
بسیج توده های دهقان و شیوه های برپا داشتن مبارزه
مسلحانه و بیوه تجربه بکار بردن اندیشه های مائوتسه ون
در عمل ، که توسط حزب کمونیست هند (م - دل) بدست
آمده ، از نقطه نظر اهمیت همین نوع مسایل برای پیشبرد
مبارزه در ایران در دوره کنونی دارای ارزش خاصی
نظیری است . بی شک بر خورداری از این تجربیات کمک
شایانی بکنیه انقلاب بین ایران و جنبش کمونیستی ایران می -
نماید .

یاد شاه شهر اسلحه سازی را قدغن کرده ...
ولی چون مردم به شمشیر احتیاج دارند ، آهنگران
شهر روزها آهنگری میکنند و شبها مخفیانه در
زیمر زمین شمشیر میسازند .
صفت بسهرنگی

خط مشی و برنامه سیاسی ما



پیشگفتار

شکست مبارزات ضد امپریالیستی مردم ایران در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ آغاز دوره‌ای از فرود جنبش مردم ایران است که تا پانزده خرداد ۱۳۴۲ همچنان ادامه یافت. واقعه ۲۸ مرداد سند محکمی بود که تمام احزاب و گروه‌های سیاسی آندوره را به بوته آزمایش گذارد و نشان داد که هیچکدام آنها قادر به حفظ انرژی، ثبات و تدابیر مبارزه توده‌ها نبوده و نمیتوانند جنبش انقلاب مردم را مرحله عالیتری سوق داده و بسعت پیروزی هدایت کنند. جبهه ملی که بورژوازی ملی ایران را نمایندگی میکرد در برابر ضربات ارتجاع و امپریالیسم تنزل و ناتوانی نشان داد، و بدینسان خلعت متنزل طبقاتی خود را بوضوح بروز داد. حزب اپورتونیستی و رفرمیست توده بدنباله روی از بورژوازی ملی راه تسلیم و قراردایی را اختیار کرد. عدم درک خلعت نیمه قنودالی - نیمه مستعمره جامعه ایران، عدم تشخیص اهمیت مسئله ارضی و عمده بودن نیروی دهقانی و تضاد با قنودالیسم، عدم تشخیص راه حث توده‌ها - یعنی گرفتن روستا بمشابه عمده مبارزه و ایجاد پایگاههای انقلابی و محاصره شهرها از طریق دهات - که تنها راه استراتژیک جهت تسب قدرت سیاسی در سر-تاسر کشور است، و در نتیجه، برخورد استراتژیک بمبارزات پارلمانی، قانونی و شهری و بالاخره عدم وجود حزب مارکسیستی - لنینیستی طبقه کارگر ایران عوامل اساسی در شکست مبارزات شگوفان شده دوره قبل از ۲۸ مرداد بودند. البته عامل عمده همان فقدان عامل ذهنی رهبری کننده یعنی فقدان یک حزب مارکسیستی - لنینیستی طبقه کارگر بود. جنبش کمونیستی ایران در این دوره در جنگال حزب اپورتونیستی و رفرمیست توده ایران قرار داشت و نتوانست در آن دوره خود را از قید اپورتونیسم و رفرمیسم برهانند و یک حزب مارکسیستی - لنینیستی تولد دهد.

تشخیص داده شد و راه جنگ توده‌های بمشابه راه علم انقلاب دمکراتیک نوین در ممالک مستعمره، نیمه مستعمره و نیمه قنودالی (مانند ایران) شناخته شد. جنبش نوین کمونیستی ایران در مبارزه با رویزیونیسم خروشی و عوامل وطنی آن و در جهت آزاد کردن خود از قید و بند کاستریسم است که تولد میابد و رشد میکند.

(۱)

۱- در جهان معاصر ما چهار تضاد اساسی وجود دارد. تضاد میان خلقهای ستمدیده جهان از یک طرف و امپریالیسم و سوسیالیسم-امپریالیسم از طرف دیگر؛ تضاد میان پرولتاریا و بورژوازی در کشورهای سرمایه‌داری و رویزیونیستی؛ تضاد میان کشورهای یالیستی و کشورهای سوسیالیست - امپریالیستی و میان خود کشورهای امپریالیستی؛ تضاد میان کشورهای سوسیالیستی از یک طرف و امپریالیسم و سوسیالیسم - امپریالیسم از طرف دیگر. از چهار تضاد فوق، تضاد میان خلقهای ستمدیده ممالک مستعمره و نیمه مستعمره و امپریالیسم و سوسیالیسم - امپریالیسم تضاد عمده جهانیست، زیرا تضاد های گوناگون جهان معاصر در مناطق وسیع آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین بهم گره خورده است. آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین، مناطق طوفانی انقلاب جهانی و سست ترین حلقه زنجیر امپریالیسم بین المللی است. خلقهای ستمدیده این مناطق، یعنی خلقهای ممالک مستعمره و نیمه مستعمره پیروی عمده انقلاب جهانی و در مبارزه ضد امپریالیستی بین المللی صفوف مقدم را تشکیل میدهند. بدین سبب، امر انقلاب جهانی سوسیالیستی پرولتاریائی در گرو رشد طغرنمون انقلاب خلقهای این مناطق است. جریان انقلابی این مناطق که انقلاب دمکراتیک ملی به رهبری پرولتاریا، یعنی انقلاب دمکراتیک نوین است، بخش از انقلاب جهانی سوسیالیستی پرولتاریائی را تشکیل میدهد.

۲- پس از جنگ جهانی دوم و شکست فاشیسم بین المللی، امپریالیسم ایالات متحد بر مستند فاشیستهای آلمان، ایتالیا و ژاپن تکیه زد و تمام سیستم ناتوان شده سرمایه‌داری جهانی را بحرف وابسته گردانید. امپریالیسم ایالات متحد، نیروی عمده تجاوز و جنگ، سر کرده امپریالیسم جهانی، و دشمن شماره یک پرولتاریا و خلقهای ستمدیده جهان است. پس از جنگ دوم، اوضاع جهان اساساً تغییر یافت. امپریالیسم بین المللی ناتوانتر از سابق است، و نیروهای انقلابی خلقها - و نیروهای سوسیالیستی جهان نیرومندتر شدند. رشد و توسعه روزافزون مبارزات خلقها - در روز ضربات محکمتری بر پیکر امپریالیسم مینوازند، در پیشانیهای همه، خلق انقلابی و پتانم و خلقهای جنوب شرقی آسیا با مبارزه پیگیری خود نیروهای متجاوز امپریالیسم ایالات متحده را بسوی مرگ سوق میدهند. مبارزه مسلحانه خلق فلسطین و هیچ نوین جنبشهای دمکراتیک نوین در هندوستان و دیگر نقاط آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین رو به توسعه است. جنبشهای نازی و مبارزات انقلابی مردم اروپا، آمریکای شمالی و اقیانوسیه نیز رشد و نمو تازه ای یافته اند. نیز جنبش بین المللی کمونیستی با پیروزی انقلاب عظیم فرهنگی پرولتاریائی در چین و در مبارزه با رویزیونیسم نوین آیدیدگی و توانائی بیشتری یافته و مرحله عالیتری شامل پیدا کرده است. عصر ما عصریست که در آن امپریالیسم بسوی نابودی کامل میگراید و سوسیالیسم بسوی پیروزی سراسری جهان گام مینهد.

۳- صف آرائی نوینی در جنبش جهانی کمونیستی بوجود آمده است، صف آرائی نوین مارکسیست - لنینیستها بر رهبری ایدئولوژیک و سیاسی رفیق مائو تسمه دون در برابر رویزیونیستها بسرگردگی دارودسته خروشی حزب و حکومت سوسیالیسم - امپریالیست " شوروی ". اتحاد شوروی که روزی پرچمدار انقلاب جهانی پرولتاریائی و سوسیالیسم بود، اکنون زیر سلطه یک منت غناصر مرتد و رویزیونیست قرار گرفته. در کشور " شوروی " بجای دیکتاتوری پرولتاریا دیکتاتوری بورژوازی، و بجای مشی سوسیالیستی در اقتصاد، سیاست و دیگر زمینه های روینائی جامعه، مشی سرمایه داری مستقر گردیده است.

پس از مرگ رفیق استالین، دارودسته رویزیونیستی خروشی رهبری حزب و حکومت شوروی را غصب کرده و با طرح نظریه ضد انقلابی باصطلاح " همزیستی مسالمت آمیز " گذار مسالمت آمیز " و " مسابقه مسالمت آمیز " سیستم ایدئولوژیک رویزیونیسم نوین را شکل دادند. آنها با طرح باصطلاح " حزب تمام خلقی " و " دولت تمام خلقی "، در حقیقت، دیکتاتوری پرولتاریا را در شوروی نفی کرده و بدینسان به لنینیسم و امر انقلاب جهانی خیانت ورزیدند. " سیستم نوین اقتصادی " دارودسته خروشی برژفسک کاسیگن دنباله رویزیونیسم خروشی و در جهت لامل شدن برگشت سرمایه داری در نخستین مهده سوسیالیسم است. رویزیونیستهای شوروی بزرگترین و جنایتکارترین مرتدان تاریخ جنبش بین المللی

سیاست اقتصادی ضد ملی رژیم کودتا، وابسته شدن هر چه بیشتر اقتصاد کشور به امپریالیسم جهانی، بویژه به امپریالیستهای آمریکائی و انگلیسی، استثمار هر چه بیشتر توده های زحمتکش و اختناق سیاسی حاکم بر جامعه، سرانجام به بحران اقتصادی سالهای ۴۲-۱۳۳۹ و قیام توده های مردم در پانزده خرداد ۱۳۴۲ انجامید. با قیام پانزده خرداد ۴۲ دوره نوین سازماندهی توده های مردم آغاز گردید. در همان سالهای بحرانی ۴۲-۱۳۳۹ گروهها و محافل زیرزمینی نوینی شروع برپیدار کردند. مردم ایران، بویژه با تجربه خونین خود در پانزده خرداد متوجه شدند که در زمان رهبری های تنهن، احزاب و دستجات بازمانده، و شیوه های مسالمت آمیز مبارزه بیایان رسیده و باید در جهت ایجاد رهبری نوین، تشکل نوین و توسن به شیوه نای قهرآمیز مبارزه حرث کرد. اهمیت پانزده خرداد ۴۲ بمشابه یک نقطه عطف در مبارزات مردم ایران درست در همین نلانات نهفته است. همچنین از پانزده خرداد ببعده توجه مبارزین و انقلابیون ایران به روستای ایران و نقش دهقانان در انقلاب ایران منطوف گردید.

تمام عوام فریبیهای رژیم کودتا در این دوره بصورت انقلاب سفید " انقلاب شاه و مردم " اصلاحات ارضی " و رفرمهای قلابی دیگر در پرتو بحران اقتصادی - سیاسی سالهای ۴۲-۱۳۳۹ و آغاز دوره نوین سازماندهی جنبش مردم ایران قابل درک است. در همین دوره، یعنی در سالهای ۴۲-۱۳۳۹ دانشجویان و محصلین در اروپا و آمریکا نیز در پرتو شرایط نوین ایران توانستند سازمان متشکل خود را در خارج از کشور - یعنی گفدراسیون جهانی - بوجود آورند. روشنفکران انقلابی خارج از کشور تحت تاثیر اوضاع و احوال داخل کشور و وظایف نوینی که در مقابل مبارزین قرار گرفته بود، در جهت ایجاد تشکل های نوین سیاسی حرکت کردند.

حلقه مرکزی در این تشکل یابی نوین جنبش سازماندهی نوین جنبش کمونیستی ایران در داخل و خارج از کشور است. گروهها، محافل و تشکل های مارکسیستی - لنینیستی در داخل و خارج از کشور رو باز پیدا نهادند. برخی از همان ابتداء از هم پاشیده شدند و برخی دیگر رو برشد گذاردند. حزب توده ایران در خارج از کشور نیز دچار بحران شدید داخلی شده و بسیاری از عناصر و گروههای درون آن با قطع رابطه کردن با رویزیونیسم حزب " سازمان انقلابی حزب توده ایران در خارج از کشور " را ایجاد کردند. برپاشدن انقلاب عظیم فرهنگی پرولتاریائی چین و مبارزه علیه رویزیونیسم خروشی شرایط مساعد جهانی برای حرکت نوین کمونیستها و سازماندهی جنبش نوین کمونیستی ایران بود. در این میان، اپورتونیستهای نوینی نیز پیدا شده اند که در گروههایی مانند " توفان " محافل سوسیالیست - دمکرات و محافل تفرقه افکن (معروف به انحلال طلب) مجتمع میگرددند.

در این دوره انقلاب کوبا و راه کاسترو در غالب گروهها و محافل مارکسیستی - لنینیستی شیوه داشت. اثر روشنفکران خارج از کشور که بلزوم مبارزه مسلحانه در ایران بی برده بودند، بیشتر " راه کوبا " را برای انقلاب ایران تجویز میکردند. تنها با تجربه یابی بیشتر و پیروزی انقلاب عظیم فرهنگی پرولتاریائی در چین بود که نادرست بودن " راه کوبا "

کمونیستی اند .

۱- رومیونیسم در گلبه کشورهای اروپای شرقی (غیر از آلبانی) و در جمهوری تودا - ای مائولستان به پیروزی موفقی دست یافته و این کشورها را منطقه نفوذ رومیونیسم شوروی بدو رده است . در عین حال تضاد میان رومیونیستها هر چه بیشتر حاد میگردد .

۲- رومیونیسم بر سر گلبه مسئله جهانی دست به همکاری همه جانبه با امپریالیسم ایالات متحده زده است . اکنون نظام مستقر در شوروی ، نظامیست سوسیال - امپریالیستی جنوبی : بورژوازی شوروی مانند همه حکومتهای بورژوازی دیگر بدست اندازی به ممالک مستعمره و نیمه مستعمره میاندازد و با امپریالیستهای دیگر در استعمار و با استعمار کشیدن خلقهای جهان دست برقرایت و مسابقه اقتصادی و سیاسی میزند . سوسیال - امپریالیسم شوروی نیروی ضد انقلابی و دستیار شماره یک امپریالیسم ایالات متحده است .

۳- انقلاب عظیم فرنگی پرولتاریائی چین بزرگترین واقعه عصر کمونیست و پس از شون یاریس و انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثر سومین گام در سیر رشد و تکامل جنبه بین المللی کمونیستی میباشد . انقلاب عظیم فرنگی پرولتاریائی سنگ مکتوبینی است که در عصر ثنونی مارکسیست - لنینیستها را از رومیونیستها و انواع گرایشهای اپورتونیستی مجزاهمیزر - داند .

۴- نمون بارسیل نخستین تلاش پرولتاریا برای تسخیر قدرت حاکمه و برقراری دیکتاتوری پرولتاریا بود . انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثر نخستین پیروزی پرولتاریای جهان و سر آغاز انقلابات پرولتاریائی است . پرولتاریا توانست با ایجاد دیکتاتوری خود در قالب جمهوری سوسیالیستی اتحاد شوروی گامهای عظیمی در جهت ساختمان و استقرار سوسیالیسم در یک - ششم بره زمین بردارد . با پیروزی انقلاب کبیر اکثریت تمام انقلابات ملی ممالک مستعمره و نیمه مستعمره بخشی از انقلاب جهانی سوسیالیستی پرولتاریائی اند .

۵- پس از انقلاب اکثر ، پیروزی انقلاب کبیر چین در شرق ، عظیمترین پیروزی در انقلاب جهانی پرولتاریائیست . انقلاب کبیر چین راه پیروزی انقلابات کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره - یعنی راه جنبه توده ای - را نشان داد .

۶- انقلاب عظیم برهنکی پرولتاریائی چین ادامه انقلاب سوسیالیستی در شرایط دیکتاتوری پرولتاریا و سر آغاز عصر نوینی از انقلاب جهانی است . پرولتاریا توانست که با ادامه انقلاب در تحت دیکتاتوری خود رومیونیسم را طرد کرده و از احیای سرمایه داری در چین جلوگیری کند و بدینسان هر چه سریعتر سوسیالیسم را برانند . با پیروزی انقلاب عظیم فرنگی پرولتاریائی ، تمام انقلابات سوسیالیستی و ضد فئودالی خلقهای مستعمره و نیمه مستعمره - امپریالیست نیز میباشند . با سرودن عظیم پرولتاریا در انقلاب فرنگی پرولتاریائی چین ، جنبه به پایگاه انقلاب جهانی بدل گشته است .

۷- در دنیای امروز تنها دو کشور سوسیالیست تمام عیار وجود دارد : چین و آلبانی . آلبانی سوسیالیستی دژ سرخ پرولتاریا در اروپا است .

۸- رفیق مائوتسه دن بزرگترین مارکسیست - لنینیست عصر حاضر و آموزگار و رهبر پرولتاریا و خلقهای جهان است . رفیق مائوتسه دن ، مارکسیسم - لنینیسم را بطور همه جانبه ادامه داده ، از آن دفاع نموده و آنرا رشد و تکامل داده است و بدین ترتیب مارکسیسم - لنینیسم را به مرحله نوینی ارتقاء داده است . اندیشه های مائوتسه دن ، مارکسیسم - لنینیسم عصریست که در آن امپریالیسم بسوی نابودی گام میزند و سوسیالیسم بسوی پیروزی سراسری جهان گام میزند . عصر ما عصر نوین انقلاب جهانی ، عصر اندیشه های مائوتسه دن است .

(۲)

۱- جامعه ایران جامعه ایست نیمه مستعمره - نیمه فئودال . با ورود امپریالیسم با ایران ، بیژنه از نیمه دوم سده نوزده و جنبش تحریم توتون و تنباکو ، رفته رفته تحلیراتی در صورتبندی اقتصاد فئودالی ایران بوجود آمد . از یکسو هجوم کالا و سرمایه های امپریالیستی باعث تلاشی اساسی اقتصاد مستقل و طبیعی شد و رشد روابط کالائی در شهر و روستا تسریع گردید ، نوج دهقانان از روستا بشهر و گسترش بازار کالا و بازار کار شدت یافت ، و در نتیجه شرایط مساعدی برای رشد سرمایه داری داخلی فراهم آمد - بدین سان ایران از یک جامعه فئودالی بیک جامعه نیمه فئودالی تبدیل شد . از سوی دیگر ، امپریالیسم با تقویت و تثبیت بر فئودالهای بومی ، با تحمیل فشارهای اقتصادی ، سیاسی و غیره و بیاری عوامل مستقیم خود در ایران سرمایه داران کهن را در از رشد سرمایه داری ملی ایران جلوگیری کرد و با تمام قوا از تمام شیوه های تولیدی کهن و یوسیده حفاظت نمود - بدین سان ایران از یک جامعه مستقل بیک جامعه نیمه مستعمره تبدیل شد .

بنابراین ، جامعه ایران جامعه ایست که در آن شیوه تولید نیمه فئودالی همچنان برقرار است و شکل عمده استعمار را تشکیل میدهد . از لحاظ اقتصادی ، سیدسی ، فرهنگ و نظامی تابع امپریالیسم جهانی ، و یکی از عرصه های سرمایه گذاری امپریالیستی است ، و در نتیجه در مناسبات بین المللی خود از استقلال برخوردار نمیشد .

۲- تاریخ تبدیل جامعه ایران بیک جامعه نیمه فئودال - نیمه مستعمره در عین حال تاریخ مبارزات مردم علیه امپریالیسم و دستیاران داخلی او - فئودالها و بورژوازی بزرگ و میراثدار - میباشد . جنبش توتون و تنباکو نقطه شروع این دوره از مبارزات مردم است که با فراز نشیبها تا امروز با شدت هر چه بیشتر ادامه دارد . نمونه های بارز آن ، انقلاب بورژوا دمکراتیک مشروطه ایران (۱۳۸۵) ، قیام آذربایجان ، قیام خراسان ، جنبش جنگل و انقلاب گیلان (۱۳۹۱) ، جنبشهای دمکراتیک آذربایجان و کردستان (۱۳۴۴) ، نهضت ضد امپریالیستی سالهای ۳۲-۳۴ و بالاخره دوره نوین مبارزات خلق که از ۱۵ اردیبهشت ۱۳۴۳ آغاز شده است .

تمام این نهضت ها بدو علت عمده مواجه با شست شدند . یکی فقدان رهبری طبقه کارگر و حزب انقلابی این طبقه در جنبش ضد امپریالیستی - ضد فئودالی خلقهای ایران ، دوم عدم طرح مسئله ارضی بمثابه مسئله عمده انقلاب ایران و بنابراین عدم توجه به دهقانان بمثابه نیروی عمده و روستا بمثابه جبهه عمده مبارزه راه ما امروزه شهرها از طریق دهات و پایتگاهسازی در روستا .

۳- جنبش کمونیستی ایران دارای فراز نشیبهایی بوده ، و بیش از ۶۰ سال از آن میگذرد . نقطه های اولیه جنبش کمونیستی ایران را میتوان در محافل ، گروهها و انجمنهای سوسیال - دمکرات سالهای ۱۱-۱۵ پیدا نمود . در سال ۱۹۱۶ حزب سوسیال - دمکرات - دمکرات عدالت که در رابطه با سوسیال - دمکراتهای قفقاز بود ، در باکو تشکیل شد . سپس در سالهای ۲۱-۲۲ در انقلاب گیلان شرکت کرد ، و در لشکر یکم خود در گیلان (۱۹۲۰) نام خود را به حزب کمونیست ایران تحویف کرد .

حزب کمونیست ایران اولین و تنها حزب طبقه کارگر ایران بود که با الهام از پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثر تشکیل شد و راه مبارزه مسلحانه را پیش گرفت . حزب دچار گرایشهای " چپ " راست گردید ، ولی در لشکر دوم حزب (۱۹۲۸) به بزرگترین دستاورد های جنبش کمونیستی ایران رسید ، و در مجموع توانست تصویر صحیحی از خصالت و راه انقلاب ایران بدهد . کنگره دوم باین مسائل اساسی جنبش برای نخستین بار پاسخ گفت : ۱) که حکومت ایران حکومت مالکان بزرگ ارضی و بورژوازی بزرگ بوده و دست نشاندۀ امپریالیسم جهانیست .

۲) که انقلاب ایران ، انقلابیست علیه امپریالیسم و فئودالیسم که با رهبری طبقه کارگر به پیروزی میرسد .

۳) که مضمون عمده انقلاب ایران انقلاب ارضی و نیروی عمده انقلاب توده های دهقانیند .

۴) که راه مبارزه مسلحانه ، راه سرنگونی رژیم حاکم و پیروزی انقلاب است .

۵) که اتحاد طبقه کارگر و توده های دهقان ضامن اساسی پیروزی انقلاب ایران است .

۶- در دوران حکومت استعماری رضاخان ، گروه ارانی و یارانانش نتوانستند تا حدی مارکسیسم را ببعیان روشنفکران و خورده بورژوازی اداری گسترش دهند ، و مقدمه ای بودند برای نهضت کمونیستی ایران که از سالهای ۳۲-۳۴ آغاز شد .

۷- سالهای پس از ۳۲-۳۳ جنبش پرولتری ایران تحت رهبری حزب توده ایران قرار گرفت . حزب توده با آتش اکثریت کمونیستهای ایران را در بر میگرفت و پایه های آن عمده در طبقه کارگر بود ، دارای رهبری و برنامه سیاسی انقلابی و پرولتری نبود . رهبری حزب در مجموع ، از عناصر خورده بورژوا و روشنفکر تشکیل میشد .

حزب توده ایران یک حزب مارکسیستی - لنینیستی و پرولتاریائی نبود ، و مبارزات درونی آن میان دوخت خورده بورژوازی و اپورتونیستی در رهبری و خط پرولتری و انقلابی در پایه ، نتوانست بدان درجه از رشد رسد که حزب را بیک حزب مارکسیستی - لنینیستی تحول دهد . حزب توده ایران حزبی بود در محتوی خورده بورژوا ، در سیاست اپورتونیست ، و در تئوری و عمل ، سوسیال - دمکرات و رفرمیست .

حزب توده از ابتداء بر اساس نلط جنبه واحدی از کمونیستها و عناصر غیر کمونیست و خورده بورژوا تشکیل گردید . حزب توده از لحاظ بین المللی ، از اصول تئوریک و سیاسی خط مشی کنگره هفتم کمینترن الهام گرفته بود . البته حزب توده دارای جنبه مثبت نیز بود ، که آن بطور عمده در نقش حزب در تشکل وسیع طبقه کارگر و قشرهایی از توده های مردم و بخش نسبی اندیشه های مارکسیستی در ایران است .

۸- کمیته مرکزی حزب توده ایران در خارج از کشور که مدعی مارکسیسم - لنینیسم و رهبری طبقه کارگر ایران است در راهی پایه های توده ای و حزبی نبود ، و متشکل از دارودسته ایست رومیونیستی و ضد انقلابی و معروف وطنی رومیونیسم خروشی و سوسیال - امپریالیسم کاسیگن - برژنف ، حزب توده (یعنی کمیته مرکزی) در دوره ششمنی جنبش مردم ایران در صفوف خلق قرار ندارد . عناصر ، محافل و گروههای مارکسیست - لنینیست ایران حزب توده ایران در داخل و خارج از کشور در اثر حاد شدن تضاد های داخلی حزب (میان دوخط انقلابی و ضد انقلابی) و در شرایط مساعد بین المللی (انقلاب فرهنگی چین و چیرگی اندیشه های مائوتسه دن و در نتیجه آغاز دوره نوین جنبش بین المللی کمونیستی) یک بیک با رهبری مرتد اپورتونیست و رومیونیست حزب بریده و در تشکل های نوینی متشکل شده و میشود .

صدر چین صدر ما است

(۳)

و مسلحانه نشان می دهند .

۲- بنابراین مرحله کنونی در جنبش خلقهای ایران ، تشکل و ایجاد همگونی و تجمع نیروهای خلق بدور محور وظایف انقلاب ایران در این مرحله - یعنی انقلاب دیمکراتیک نوین - است . برای رسیدن به چنین منظوری ، هسته رهبری کننده انقلاب یعنی حزب انقلابی طبقه کارگر ایران باید بوجود آید .

۳- بنابراین ، وظیفه میوم کنونی کمونیستها ایجاد حزب کمونیست ، حزب مارکسیستی لنینیستی طبقه کارگر ایران است . بدون وجود حزب کمونیست ، انقلاب ایران سرانجامی نخواهد داشت و ایران نیمه مستعمره - نیمه فئودال به ایران سوسیالیستی بدل نخواهد گشت . بدون حزب کمونیست ، انقلاب دیمکراتیک نوین به پیروزی نخواهد رسید . بدون حزب کمونیست ، ارتش انقلابی توده ها ، اتحاد طبقه کارگر و دهقانان و جنبه واحد انقلابی خلق بوجود نخواهد آمد . ایجاد حزب کمونیست ایران بمثابة ستاد فرماندهی انقلاب و رهبری کننده امر پرولتاریا و توده های مردم ، مسئله مرکزی در همه فعالیتهای انقلابیست ، و همه چیز بدان وابسته است . وظیفه مرکزی و میوم کنونیستهای ایران است که بر مبنای وحدت آیدئولوژیک ، برنامه سیاسی و پراتیک مبارزاتی به ایجاد حزب طبقه کارگر ایران همت گمارند .

۴- حزب طبقه کارگر، سازمان سیاسی و پیشاهنگ طبقه کارگر است ، و به پیشروترین تئوری مجهز می باشد . حزب طبقه کارگر حزبیست مسلح به علم مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائو - تسه دون که هدف مرکزیش دیکتاتوری پرولتاریا و هدف نهائیش محو سیستم استثمار انسان از انسان و رسیدن به جامعه بی طبقه کمونیستی است . حزب کمونیست از اصل اتکاء به توده های مردم و اصل قهرآمیز بودن انقلاب پیروی میکند و دشمن آشتی ناپذیر آیدئولوژیهای بورژوازی و خورده بورژوازی و راههای رفرمیستی و سازشکارانه است . حزب کمونیست از اصل انترناسیونالیسم پرولتاریائی پیروی میکند ، خود را بمثابة پاره ای از ارتش پرولتاریائی جهانی و جنبش بین المللی کمونیستی میداند ، و ناسیونالیسم بورژوازی و سوسیال - شووم نیسم را طرد میکند . حزب کمونیست با هر گونه دکماتیسم و هر گونه متم نویسی اپورتونیستی و تحریف رویویونیستی مارکسیسم - لنینیسم مخالف است ، و هواخواه رشد و تکامل منطقی و مربوط بهم آیدئولوژی پرولتاریا است . حزب کمونیست دارای سه سبک کار است که عبارتند از : وحدت تئوری و عمل ، پیوند فشرده با توده ها ، و انتقاد و انتقاد از خود . حزب کمونیست دارای سه وحدت است که عبارتند از : وحدت اراده ، وحدت عمل ، و وحدت انضباط . حزب کمونیست حزبیست مستقل ، بشمولی و توده ای که موازین تشکیلاتی آن بر اصل مرکزیت دیمکراتیک قرار گرفته و دارای انضباط پولادین است . روح مرکزیت دیمکراتیک ، بکار بست اصل آیدئولوژیک و لگتیم پرولتاریائیست .

۵- مبارزه طبقاتی پرولتاریا در آخرین تحلیل مبارزه ایست برای از میان بردن قدرت حاکمه بورژوازی و برقراری قدرت حاکمه خود - یعنی دیکتاتوری طبقه کارگر .

در شرایط کشورهای نیمه مستعمره - نیمه فئودال و بنابراین در ایران ، پرولتاریا برای حل تضاد خود با بورژوازی و باز کردن راه بسوی سوسیالیسم باید مناسبات فئودالی و استعماری را برچیند .

مرحله مبارزه طبقاتی پرولتاریا در ایران عبارتست از بسیج دهقانان (و بدویر آن نیروهای دیگر خلق) علیه فئودالیسم و امپریالیسم - یعنی رهبری انقلاب ارضی (در مرحله کنونی ، تضاد میان توده های مردم و نظام فئودالی تضاد عمده را تشکیل میدهد) .

مبارزه طبقاتی دهقانان ، مضمون مبارزه طبقاتی پرولتاریا در این مرحله و جنبش در ایران است . بنابراین مضمون فعالیتهای حزب طبقه کارگر ایران در این مرحله ، مبارزه انقلابی دهقانان برای حل مسئله ارضی است . حزب کمونیست ایران در مرحله مشخص کنونی تنها در رابطه با چنین مبارزه ای و با تامین رهبری پرولتاریا در این مبارزه ، یک حزب کمونیست واقعی یعنی سازمان پیشاهنگ مبارزه طبقاتی پرولتاریا - تواند بود .

۶- سازماندهی حزب کمونیست ، اساساً سازماندهی رهبری کمونیستی انقلاب است . سازماندهی یک چنین رهبری ، تنها در توفان مبارزه انقلابی و در عرصه عمده مبارزه امکان پذیر میباشد .

اندیشه های مائوتسه دون بما می آموزد که رشد ناموزون اقتصادی و سیاسی قانون مطلق جوامع مستعمره ، نیمه مستعمره - نیمه فئودالی است ، و از این نظر ، انقلاب ابتدا در طبقه ضعیف دشمن پیروز میشود . حلقه ضعیف در جوامع مستعمره ، نیمه مستعمره - نیمه فئودال روستا است . عرصه عمده مبارزه روستا است . از این نظر حزب کمونیست عمده در چنین عرصه ای سازمان یابی واقعی یافته و رشد و توسعه میابد . قرار گرفتن در روستا پایه عینی چنین سازمانیابی و رشد و توسعه ایست .

بنابراین حزب کمونیست ایران عمده در حلقه ضعیف حکومت کهنه روستا فئودال ایران یعنی در مناطق روستائی سازمان میابد ، و بیک حزب سرتا سری ، توده ای و بلشویکی بدل میشود .

۷- راه انقلاب در رابطه با مرحله انقلاب دیمکراتیک نوین ایران ، راه مبارزه مسلحانه از طریق بسیج نیروهای دهقانی و پایگاه سازی در روستا ، و سپس گسترش و محاصره و تصرف شهرهاست .

۱- از آنجا که جامعه ایران جامعه ایست نیمه مستعمره - نیمه فئودال که تضاد های اساسی آنرا تضاد خلق با امپریالیسم و تضاد توده هائی مردم با فئودالیسم تشکیل میدهد ، بنابراین مرحله انقلاب ایران انقلاب دیمکراتیک نوین - یعنی انقلاب ضد امپریالیستی و ضد فئودالی است که بر رهبری پرولتاریا انجام میپذیرد .

۲- انقلاب دیمکراتیک نوین ایران ، انقلابیست علیه فئودالیسم ، امپریالیسم ، سوسیالیسم - امپریالیسم و سرمایه داری بوروکراتیک ، انقلابیست که روابط فئودالی جامعه را بر میچیند ، دهقانان را از استثمار فئودالی و نیمه فئودالی میرهاند ، سرمایه های امپریالیستی و بوروکراتیک را دولتی میکند ، و شرایط را برای حل تضاد میان بورژوازی و پرولتاریا و سایر ختمان جامعه سوسیالیستی فراهم میگرداند . و گذار به انقلاب سوسیالیستی

۳- با پیروزی و بنیایان رسیدن انقلاب دیمکراتیک نوین ، دیکتاتوری پرولتاریا در شکل دیمکراسی توده های و یا دیکتاتوری دیمکراتیک خلق بر سر کار میاید و راه رشد سوسیالیستی - یعنی سا ختمان سوسیالیسم - را صدر برنامه کار خود میکند . انقلاب سوسیالیستی و سا ختمان سوسیالیسم یک پیروسه واحد را تشکیل می دهند . رفیق مائو تسه دون مسئله دیکتاتوری پرولتاریا در ممالک مستعمره و نیمه مستعمره و نیمه فئودال حل کرده است : رسیدن بدیکتاتوری پرولتاریا از مرحله انقلاب دیمکراتیک نوین عبور میکند و در شرایط خاص این معادله ، شکل دیمکراسی توده ای بخود میگیرد - یعنی دیکتاتوری دیمکراتیک توده های مردم بر رهبری طبقه کارگر و بر اساس اتحاد کارگران ، توده دهقانان و توده های زحمتکش خورده بورژوازی شهری . انقلاب دیمکراتیک نوین ، در حقیقت ، گذار است انقلابی از جامعه نیمه مستعمره - نیمه فئودال ایران بدیکتاتوری پرولتاریا و سوسیالیسم . از این نظر ، انقلاب دیمکراتیک نوین ایران ، انقلابیست با دورنمای سوسیالیستی .

۴- مضمون عمده انقلاب دیمکراتیک نوین ، انقلاب ارضی و بنابراین نیروی عمده انقلاب توده های دهقانیست ، و عرصه عمده مبارزه روستا است . انقلاب ارضی ، انقلاب توده های دهقانی تحت رهبری پرولتاریا و حزب کمونیست است . دهقانان ایران اکثریت عظیم خلق اند که حدود ۹۰ درصد آنها را دهقانان فقیر ، نیمه پرولتاریا و پرولتاریای ده تشکیل می دهند . انقلاب ارضی - یعنی رهائی دهقانان از ستم فئودالی و تقسیم بلاعوض زمین - کار خود دهقانان است و با حکم و دستور و اصلاحات ارضی امکان پذیر نیست . انقلاب با اتکاء به نیروهای عظیم توده های دهقانان و با داشتن رهبری طبقه کارگر ایرانست که میتواند کلیه نیروهای خلقی را بسیج کرده و به پیروزی رسد .

۵- راه انقلاب دیمکراتیک نوین ، اتکاء به دهقانان ، ایجاد مناطق پایتختی روستائی ، محاصره شهرها از طریق دهات و سپس تصرف شهرهاست . راه انقلاب ایران از خصلت جامعه ایران ناشی میشود . ناموزونی رشد اقتصادی و سیاسی جامعه ایران - اقتصاد پراکنده نیمه فئودالی و تمرکز نسبی ازتجاج در شهرها - بدین منجر میشود که انقلاب ابتدا در ضعیفترین حلقه زنجیر ارتجاج داخلی و تسلط امپریالیسم پیروز گردد ، و سپس وار گسترش یابد . حلقه ضعیف روستای ایران است . پس ، انقلاب ابتداء در روستا پیروز میشود ، در روستا ، پایگاه های انقلابی و قدرت حاکمه توده های بوجود میاید . قدرت حاکمه توده های ده اساساً قدرت سیاسی دهقانان با رهبری پرولتاریست . بحل مسئله ارضی میبرد .

۶- شکل عمده مبارزه ، مبارزه مسلحانه یعنی جنگ و شکل عمده سازمان ارتش است . ارتش ، در حقیقت ، نیروهای مسلح دهقانانست که با اتکاء به پایگاههای انقلاب و با رهبری حزب کمونیست به جنگ توده ای دست میزند . ارتش توده ای ، در حقیقت ، تبلور ویژه ایست از اتحاد طبقه کارگر و توده های دهقانان و مبارزه مسلحانه پیروسه عمده ایست که در آن اتحاد فوق ایجاد و استحکام میابد . خصلت جنگ طولانی بودن آنست ، زیرا که رشد انقلاب ناموزون ، و نیروهای خلق در مرحله کنونی ضعیف و نیروهای دشمن قوی است .

۷- ارتش توده ای و جنبه واحد انقلابی و سلاح عمده در دست حزب کمونیست است که انقلاب را به پیش میراند . جنبه واحد انقلابی در ایران مشکل از تمام طبقات و اقشار ضد امپریالیستی و ضد فئودالیست - یعنی کارگران ، دهقانان ، خورده بورژوازی شهری و بورژوازی متوسط (ملی) .

(۴)

۱- جنبش مردم ایران وارد مرحله نوینی از رشد خود شده است . از پس از بحران اقتصادی سالهای ۴۲- ۱۳۳۹ و قیام پانزده خرداد ۴۲ دوران فروکش جنبش مردم ایران سیری شده ، و در ایران تدارک مبارزاتی و تشکل نوین جنبش آغاز گردیده است . محافل ، گروهها و تشکل های گوناگون ، بویژه تشکل های کمونیستی در این سو و آن سو شکل میگیرند ، ولی بطور عمده هنوز در مرحله ناهمسویی ، ناهمگونی و پراکندگی بسر میبرند . مبارزه غیر علنی و حتی مبارزه مسلحانه بطور پراکنده و در فقدان ارتباط بهم جریان میابد . در برابر چنین وضعی ، ارتجاج نیروهای خود رز و متمرکز و تجهیز میکند ، و هر روز بر شدت عمل خود علیه مبارزین و بویژه کمونیستها میافزاید . در مجموع ، شرایط انقلابی بسیار مساعد است و مردم آمادگی خود را برای نبرد رودر رو

ساختمان آنچنان جزئی که بتواند این راه را طی کند تنها در رابطه با پیشرفت این راه امکان پذیر است. حزب کمونیست ایران، در رابطه با مبارزه مسلحانه و با اتنا به توده های دهقان و بسیج نیروهای دهقانی و پایگاهسازی در روستا، ساختمان، رشد و توسعه میابد. مبارزه مسلحانه یا جنگهای دهقانی شکل عمده مبارزه است و رابطه حزب با دهقانان در پروسه تدارک، جوشش و رشد جنگهای دهقانی هرچه نزدیکتر و مستحکمتر شده، و در این جریان، حزب ساختمان یافته، آبدیده و بلشویکی میشود.

از آنجا که شکل عمده مبارزه، جنگ و شکل عمده سازمان ارتش است بنابراین حزب در رابطه با ساختمان ارتش ساختمان میابد. در مرحله کنونی مبارزه در ایران، ساختمان ارتش یعنی بوجود آوردن واحدهای پارتیزانی دهقانی که خود نتیجه رشد مبارزه طبقاتی دهقانان و یا زانیده قیامها توده ای دهقانان است.

۱- در شرایط کنونی مبارزه در ایران، مرحله جنگ، جنگ پارتیزانی و شکل عمده مرحله ای سازمان، واحدهای پارتیزانی دهقانیست. جنگ پارتیزانی واحدهای پارتیزانی بوسیله هسته های حزبی تشکیل شده در روستا سازمان یافته رهبری شده و گسترش میابند. در این حال، اوج گیری مبارزه و گسترش جنگ پارتیزانی باعث گسترش هسته های حزبی در روستا میگردد و بدینسان راه ایجاد حزب را هموار میکند.

جنگ پارتیزانی طی پروسه ای جنگ توده ای رشد میابد و واحدهای پارتیزانی دهقانی به ارتش توده ای متکامل پیدا میکنند. در رابطه با رشد و توسعه و تکامل پروسه فوق سازمان پیشاهنگ طبقه کارگر در رهبری جنبه را در سرتا سر کشور بسنده دارد (یعنی حزب کمونیست) نیز تشکیلات خود را در سرتا سر کشور توسعه میدهد. بدینسان حزب از لحاظ تشکیلاتی نیز بیک سازمان سرتا سری و تمام کشوری تحویر میابد.

بنابراین سازمان پیشاهنگ یا حزب که رهبری کل جنبه را در سرتا سر کشور بعهده دارد و لزوماً نباید از اول دارای سازمانتندی و پایه های توده ای سرتا سری باشد، بلکه سرتا سری شدن سازمانندی و پایه های توده ای حزب طبقه کارگر و در رابطه مستقیم است با سرتا سری شدن مبارزه. بدون سرتا سری شدن حزب انقلاب دهنزاتیک نوین به پیروزی نخواهد رسید و ولی برای رهبری چنین انقلابی در آغاز، نیازی به سرتا سری شدن نمیباشد. این از قانون رشد ناموزن جنبه در معالک نیمه مستعمره - نیمه فئودال و بنابراین از رشد ناموزن انقلاب ایران سرچشمه میگیرد.

۱- از آنجا که مرحله نخستین جنگ، جنگ پارتیزانی دهقانان است، بنابراین وظیفه کنونی و تدارک جنگهای پارتیزانی در روستا است. برای تدارک این باید بکار سیاسی و توده ای در میان توده دهقانان در روستا - بویژه کارگران کشاورزی و دهقانان فقیر پرداخت و شبکه ای از هسته های مخفی کمونیستی در روستا بوجود آورد. اینست محور فعالیتهای کمونیستها در این مرحله. حزب کمونیست از رشد کمی و کیفی این هسته ها - یعنی هسته های مخفی کمونیستی - بدور این محور - یعنی بدور محور کار سیاسی در روستا و تدارک و رهبری جنگ پارتیزانی دهقانی - ساختمان میابد.

۱- کار سیاسی در روستا، یعنی روشنگری و آمیزش با دهقانان، بردن بینش کسب قدرت سیاسی در روستا، و پخش اندیشه های ماوتسه دون در میان توده های روستا - بی - بویژه و در درجه اول در میان کارگران کشاورزی و دهقانان فقیر - شرف در انواع مبارزات آنها و بسیج توده ای دهقانان برای کسب قدرت حاکمه سیاسی در مناطق روستائی.

کار سیاسی در روستا در این خلاصه میشود: برانگیختن دهقانان به قیام و مبارزه مسلحانه و رشد آن به جنگ پارتیزانی، تأمین رهبری پرولتری از طریق پخش اندیشه های ماوتسه دون و اتکاء بر کارگران کشاورزی و نیمه پرولتاریای ده در جهت ایجاد حکومتهای توده ای و پایگاههای انقلابی در روستا.

بنابراین، وظیفه مرحله ای منعکس در خط مشی سیاسی، ایجاد پایگاه انقلابیست. حزب در رابطه با چنین وظیفه ای - یعنی، ایجاد پایگاه انقلابی بمثابة هدف ابتدائی و تأمین تکیه گاهی برای گسترش انقلاب و کسب قدرت حاکمه سیاسی در سراسر کشور - ساخته میشود.

۱- بنابراین فعالیت مرکزی مرحله ای، کار سیاسی در روستا و شعله ور کردن جنگ پارتیزانی و هدف مرکزی مرحله ای، ایجاد پایگاه انقلابیست. اینست مرکز ثقل کار.

بنابراین کار ایجاد حزب عمده در آنجا به موفقیت میانجامد که کار ایجاد پایگاه. ۱- در جهت ایجاد حزب کمونیست، با توجه به مرکز ثقل کار در روستا ایران باید مجموعه جنبش نوین کمونیستی ایران - یعنی کارها، گروهها، محافل و تشکل های پرو - لتری و کمونیستی بدین سمت سوق داده شوند.

محوری که بدور آن وحدت سازمانی کمونیستهای ایران بر مبنای مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه ماوتسه دون بوجود میابد، محور کار سیاسی و مبارزه در روستای ایران است. در پروسه ایجاد و تحکیم وحدت آیدئولوژیک و وحدت در برنامه سیاسی، و در پروسه همسوئی یافتن برانیک میدرزاتی است که جنبش نوین کمونیستی ایران به ایجاد و تحکیم وحدت

سازمانی فرا خواهد رسید. ۱-۳ در شرایط کنونی ایران وضع بدین عنوان تکوین یافته است: ۱- تمرکز نسبی نیروهای دشمن، خفقان و فقدان آزادیهای دهنزاتیک در شهرها و ۲- جریان تشکل یابی و ولی پراختندگی و عدم ارتباط نیروهای متشکل خلق، پراکتندگی و عدم ارتباط تشکل های کمونیستی و مخفی بودن آنها. در ایران شرایط مبارزه قانونی و مسالمت آمیز وجود ندارد و شهرها در خفقان بسر میبرند. از طرف دیگر وحدت نیروهای خلق و در پیشاپیش آنها وحدت جنبش نوین کمونیستی ایران نیازمند پختن نسبی نیروهای دشمن است. از این رو، راه حل مسئله وحدت در این شرایط، از ابتداء از طریق جنگ و شیوه های غیر مسالمت آمیز قابل حل است از این رو تدارک وحدت سازمانی نیروهای خلق در رابطه با و از طریق تدارک جنگ میسر است. از اینرو تدارک وحدت تشکلهای کمونیستی، در رابطه با و از طریق تدارک برای یک مبارزه مسلحانه میتواند انجام گیرد.

در جریان چنین تدارکی، باید تئوری اندیشه های ماوتسه دون و بینش سیاسی ایجاد حزب بدور محور کار در روستا، تئوری و بینش جنبش نوین کمونیستی ایران گردد. مبارزه آیدئولوژیک و سیاسی بسط و توسعه یابد، رویزیونیسم نوین و اپورتونیسم لهن حزب توده ایران و دیگر گرایشهای نادرست درون جنبش طرف گردد، سمت فعالیت تشکل ها بروستای ایران گذارده شود، کار سیاسی مرکزی در میان کارگران کشاورزی و دهقانان فقیر و تدارک و بر پا کردن جنگ پارتیزانی دهقانی توسعه یابد - در جریان تبلور پروسه فوق همسوئی سیاسی و مبارزاتی که مبتنی بر وحدت آیدئولوژیک است به وحدت تشکیلاتی رشد خواهد یافت. چنین است خط سیر کار.

۱-۴ - بنابراین، جهت ایجاد حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران و تشکل جنبش نوین کمونیستی در یک حزب واحد باید به ایجاد یک شبکه سازمانی از کمونیستهای حفره ای و واقعاً انقلابی مبادرت ورزید - شبکه ای که با گذاردن مرکز ثقل فعالیتها به مناطق مساعده ای از روستای ایران، در مناطق روستائی دیگر و در شهرها نفوذ کرده و در خدمت همسوئی یافتن سیاسی - مبارزاتی مجموعه کمونیستها و تشکل های کمونیستی قرار گیرد.

گذاردن مرکز ثقل کار در روستا و کار عمده در یک منطقه، و بدور آن بحرکت در آوردن کمونیستها به همان سمت مبارزه در هر منطقه روستائی و همسو کردن آنها در سیاست و پر - اتیک مبارزاتی (کار سیاسی در میان دهقانان و جنگ پارتیزانی) و در مرحله ای از رشد این پروسه، نیل بوحثت سازمانی - جنبش است فعالیت این شبکه سازمانی و چنین است راه ایجاد حزب واحد طراز نوین طبقه کارگر ایران.

۱-۵ - حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران هنگامی ایجاد شده است که جنبش بحد کافی گسترش یافته، پایه های توده ای سازمانی در روستا بوجود آمده و شبکه سازمانی فوق توانسته باشد که به پیشاهنگی جنبش ارتقاء پذیرفته شده و رهبری کمونیستی واحدی تولد دهد.

- ۱- کار عمده ای که در یک منطقه از روستای ایران بسط میابد منفرد نمیباشد.
- ۲- کمونیستها و تشکل های کمونیستی در همسوئی بهر منطقه روستائی - هر چه وسیعتر - کشیده شده و در جهت وحدت سازمانی حرکت پیدا میکنند.
- ۳- تمرکز دشمن در هم شکسته میشود.



برای انقلاب کردن به حزبی انقلابی احتیاج است. بدون یک حزب انقلابی، بدون حزب انقلابی، یک بر اساس تئوری انقلابی مارکسیسم - لنینیسم و بسط انقلابی مارکسیستی - لنینیستی پایه گذاری شده باشد، نمیتوان طبقه کارگر و توده های وسیع مردم را برای غلبه بر امپریالیسم و سگهای زنجیرش رهبری کرد.

طلوع شفق ...

متعدد دانشجویان دانشگاههای تهران و شیراز - تظاهرات رزمندگان مردم بر علیه همکاری رژیم ارتجاعی شاه با صهیونیستها و امپریالیسم آمریکا و به پشتیبانی از جنگ حق طلبانه خلق فلسطین ، تظاهرات تعرضی متعدد مردم علیه برگزاری کنفرانس سرمایه داران خارجی و ۳۵ سرمایه دار امپریالیست آمریکائی و دامنه بیسابقه آن در میان طبقات و انتشار مختلف خلق ، حمله رزمجویانه به کانون دانشجویان ایران و آمریکا و آتشزدن چند موسسه امپریالیستی ، پیوند قهرمانانه یک هوادار ایرانی به بغداد ، موج نوین اعتصابات کارگری در کارخانه های اطراف تهران ، یزد و اصفهان و اعتصاب کارگران شرکت نفت آبادان و بالاخره حادث شدن تظاهرات درون رو - ستای ایران در چند ماهه اخیر بویژه در شمال و لرستان همه نشان دهنده رشد نوین مبارزه ضد امپریالیستی و ضد فئودالی مردم ایران است . موج نوین مبارزه مردم که از روزهای اسفند ۴۸ آغاز گردید ابتدال و بی پایه گسی تمام تقته های نواستعماری رژیم از " اصلاحات " ارضی گرفته تا " انقلاب " آموزشی را عملاً نشان داده و یکباره نقش بر آب کرد .

موج نوین مبارزات مردم حاوی مضامین مهمی برای تعیین وظایف نوین گمونیستها در جنبش انقلابی خلقهای ایران میباشد . در سالهای بحرانی ۴۲-۱۳۳۹ و بویژه با تجربه خونین روزهای خرداد باینطرف دوران سازماندهی نوین جنبش انقلابی مردم یا باصلاح مرحله تدارکی - آغاز گردید . تشکل های مخفی و هسته های انقلابی - و در مرکز آنها تشکل ها و هسته های مخفی گمونیستی - یو بر شد و ازدیاد نهادند . مبارزه مسلحانه بمثابه تنها راه پیروزی انقلاب ایر آن شناخته شد و مسئله کشیدن مبارزه بساطق روستا بی مطرح گردید . درست بهمین خاطر است که از ۱۵ خرداد ۴۲ باینطرف رژیم شاه با برنامه ریزی امیر - پالیشیها ، مسئله " صحتی شدن " کشور و تز " گذار صا - لست آیر " ریزیونیسها را تبلیغ کرده و نیز توجه عمده خود را بروستای ایران معطوف گردانیده است ، اضافه بر آن ، ترویج امان رژیم است برای نابودی نطفه های اولیه سازمانیای مردم .

با موج نوین مبارزه از اسفند ماه ۴۲ پیروسه تدا - رک و تشکل یابی خلق وارد مرحله جدیدی شده است . یکم اینکه مردم مبارزه روبرو و حمله متقابل به رژیم مونا - کوفاشیستی ایران دست زدند و عملاً علیه امپریالیسم آمریکا با اعتراضات عظیم و خشونت آمیز مبارزت ورزیدند و دوم آنکه عملاً نشان داده شد که شیوه قهر انقلابی به محمل اصلی انقلاب ایران در دوره کنونی تبدیل شده است ؛ سهم آنکه جنبش دانشجویان و جوانان ایران در جهت پیوند دادن مبارزات خود با مبارزات توده های زحمتکش حرکت کرد ؛ چهارم آنکه در مبارزات نوین مردم تشکل ها ، گروهها و هسته های پیکار و انقلابی با حرکت در جهت پیوند دادن فعالیتهای خود با توده های زحمتکش تا حدودی از جنبه خود بخودی بودن جنبش گسستند ، و بدینسان عمده بودن مسئله پیوند با توده های زحمتکش را در مرحله کنونی نشان دادند . اینهاست مضامین اصلی اوج گیری اخیر مبارزات خلق . گمونیستهای ایران با درک وظیفه مرکزی مرحله کنونی - یعنی ایجاد حزب مارکسیستی - لنینیستی طبقه کارگر ایران - در جهت پیوند دادن فعالیتهای خود با مبارزات کارگران و دهقانان ایران حرکت میکنند . مسئله عمده امروز ما ، پیوند دادن تشکل ها و سازمانهای مارکسیستی - لنینیستی با جنبش زحمتکشان ایران است .

دوران تشکل یابی گمونیستها در گروهها و هسته های مخفی و طرح برنامه اساساً پایان پذیرفته و فعالیت همه جانبه برای پیوند دادن جنبش نوین گمونیستی با توده های زحمتکش بوظیفه عمده کنونی بدل گشته است . در این جریان ، سمت کار گمونیستها پیوند با توده های دهقانی (نیروی عمده انقلاب) و سازماندهی در رو - ستا میباشد . سازمانها و تشکل های مارکسیستی - لنینیستی با بردن مارکسیسم لنینیسم - اندیشه مائو - تسه درون و تئوری جنگ توده ای بیجان توده های زحمتکش و تلفیق آن با مبارزه طبقاتی کارگران و دهقانان ایران است که میتوانند مرحله ایجاد حزب طبقه کارگر ایران را بی پایان رسانده و در این جریان بوجدت ایدئولوژیک و سازمانی جنبش نوین گمونیستی ایران نائل آیند .

انعکاس اوضاع کنونی جنبش در خارج از کشور ، وظیفه کنونی مقابل مارکسیست - لنینیستها را بخوبی نشان میدهد . بنظر ما وظیفه عمده امروز ، در برابر تشکل های مارکسیستی - لنینیستی در خارج از کشور انتقال سازمانی با ایران و پیوند گرفتن با مبارزات طبقاتی کارگران و دهقانان داخل کشور است . در جریان پیوند - دن مرحله ایجاد حزب مارکسیستی - لنینیستی طبقه کارگر ، وظیفه مهم کنونی ایجاد گروهها ، مطلق و تشکل های گمونیستی نیست بلکه انتقال اینها بداخل کشور و پیوند دادن با مبارزات داخل کشور (و بطور عمده با مبارزات توده های روستا) میباشد .

ناقوس گوشنواز جنگ توده ای بصدای در میاید و در میان توده های مردم طنین میافکند . جریان عمده امروز در جنبش خلقهای ایران ، جریان اوج انقلابیست و نه جریان فروگزرده مرحله کنونی ، مرحله پیوند تئوری انقلابی با پراتیک توده ها است ، مرحله پیوند تشکل های انقلابی با پراتیک انقلابی توده ها است . تشکل های مارکسیستی - لنینیستی ، با حرکت در جهت پیوند با جنبش کارگران و دهقانان ، و بطور عمده با کشیدن عرصه فعالیت خود بروستای ایران راه ایجاد حزب مارکسیستی - لنینیستی طبقه کارگر ایران را هموار میگردانند . " طلوع شفق صبح نزدیک میشود ، ما باید با تمام تیرو کوشش کنیم " .

سبک کار ...

هر روز شدیدتر میشود ، و روزیونیسهای مرتد و اپور - تونیستهای رنگارنگ ، در اینسو و آنسو ، مفت و مجانسی بزندگی کثیف خود ادامه میدهند . این باعث شرمندگی است که کسانیکه در مجموع دارای موضع سیاسی - مارکسیستی - لنینیستی اند علیه مارکسیست - لنینیست های دیگر بمبارزه برخیزند ، به هم چشمی و رقابست بردارند ، بشیوه های غیر اصولی و ضد خلقی مبارزت ورزند ، و بدروغ برداری منشیت شوند . کار بد آنجا رسد که در نزد اشخاص گوناگون و حتی در نزد کسانیکه از لحاظ سیاسی آما دگی لازم را ندارند . به شکستن پنهانکاری و لو دادن سازمانها ، افراد و مسایل درونی آنها توسل جویند . که چه شود ؟ که در میان توده ها آشفتگی فکری و بی اعتمادی دامن زنند ، سوظن های بی اساس و منازعات غیر اصولی بار آورند ، و از میان آنها برای خود هوادارانی جمع نمایند .

رفقا ، شما خوب میدانید که اگر چنین وضعی در مناسبات میان مارکسیست - لنینیستها در داخل ایران رخ داده بود ، بی شک دهان آنکسی را که به شیوه لو دادن توسل میجست با گلوله می بستند . فقط آن کسانیکه خود شان نمیخواهند مبارزه کنند و یا اینکه از رشد و پایداری بودن فعالیت دیگران غبطه میخورند - و همچنین از لورفتن و معرفی تمام و کمال

خود ابائی ندارند - بجنبش شیوه های کثیفی رو میآورند . این کارها ، شایسته گمونیستها نیست . این اعمال ، بمبارزه ما ، بمبارزه مردم ، با انقلاب ایران ضرر میزند . این نوع رفتار ، فقط باعث تفرقه و پراکندگی می - شود ، فقط باعث بی اعتمادی میگردد ، نه همکاری و وحدت ، نه اعتماد و رفاقت .

کسیکه مبتلا بامراض فوق است ، مسئولیت سیاسی سرزن نمیشود ، دروغگو است ، و خطاهایش را نمیخواهد ببیند و بلکه بحاشا کردن ، و یا توجیه و ماسک مالتی نمودن آنها میپردازد ، دیگر نمیتوان با او بمثابه یک گمونیست برخورد کرد و نمیتوان او را دارای نیت پاک انقلابی و روحیه خدمت بخلق دانست .

موقعی بود که بحث وجدل (دست کم در خارج از کشور) بر سر مسائل مشی سیاسی و برنامه بود . اکنون بطور عمده این مسائل روشن شده و بطور عمده راه اصلی تعیین گردیده است . اکنون ، مسئله ما ، بطور عمده ، بردن این مسائل بیجان توده ها است . بویژه برای مارکسیست - لنینیستهای خارج از کشور ، وظیفه عمده رفتن بایران و پیوند گرفتن با کارگران و دهقانان و تحقق بخشیدن به این وظایف است ، و در همین جنبش حرکتی ایجاد همبستگی میان تمام گمونیستهای ایران و وحدت درونی جنبش نوین گمونیستی . ما با چه روحیه ای باید بیجان توده ها رویم ؟ ما با چه برخوردی با گمونیستها و حتی با مبارزین غیر گمونیست روبرو شویم ؟ ما از چه شیوه های کاری استفاده نمائیم ؟ و در هر موقعیت مشخص ، از چه رهنمود مشخصی پیروی کنیم ؟ - اینهاست تعیین کننده در کامیابی فعالیتهای ما . مسئله ما ، اکنون ، مسئله تعیین وظایف نیست . مسئله ما ، بطور عمده ، تعیین شیوه های صحیح و اصولی عملی کردن این وظایف است .

امروز با پیروزی انقلاب عظیم فرهنگی پرولتاریائی چین ، فقط باید چشمانمان بسته باشد و هواسمان یرت که نفهمیم سبک کار ما چه نقش تعیین کننده ای در فعالیتهای سیاسی و انقلابی ما دارا میباشد . در دوران ما فقط کسانیکه معمولاً به " دکترین " من اول " محکم جسمیده اند " درک نمیکنند که " بدون یک برخورد صد - یقانه در این دنیا هیچ کاری نمیتوان کرد . " (مائوتسه - دون) .

ما گمونیستهای ایران که با چنین اشتیاقی خواستار پیروزی انقلاب عظیم خلقهای میهنمان هستیم و در این راه کاملاً حاضر و آماده ایم که بی درنگ جان خود را نثار کنیم " آیا میتوانیم با حذف هر فکر ، هر نظر و عقیده یا اسلوبی که موافق نیازمندیهای خلق نباشد ، مخالف باشیم ؟ آیا ممکن است به چرکها و میکروبهای سیاسی راه دهیم که بیابند و پاکی چهره ما را آلوده گردانند و ارگانسیم سالم ما را بیچار سازند ؟ خاطره شهیدان ان بی شمار انقلاب ما که جان خود را در راه منافعی خلق فدا کرده اند ، زندگان را غرق در اندوه میسازد آیا در چنین صورتی میتواند چنان منافع شخصی وجود داشته باشد که نتوان آنرا فدا ساخت و آیا میتوانند عیبی وجود داشته باشد که نتوان آنرا اصلاح کرد " (مائوتسه دون) .

نشریات گمونیست

- ۱- آموزش مائوتسه دون در باره حزب و ساختمان آن
- ۲- آخرین بیانیه مائوتسه دون (۲۰ مه ۱۹۷۰) - بزبان آذری

توده های حزبی و کادرهای انقلابی و روشنفکران انقلابی هند تحت هدایت و رهبری حزب کمونیست (م-ل) سر بمناطق روستائی گذارده و با روحیه انقلابی " زندگی و مرگ بخاطر خلق " به ترویج پیگیرانه مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائو تسه دون در میان توده های دهقانی هند پرداختند . آنها بویژه این اصل بسیار اساسی مارکسیستی - لنینیستی را که " قدرت سیاسی از لوله تفنگ بیرون میاید " در سطح وسیعی تبلیغ و ترویج نمودند .

حزب کمونیست با بکار بردن مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائو تسه دون در تحلیل طبقاتی از اوضاع اقتصادی و موقعیت سیاسی طبقات مختلف روستا توانست که مشی طبقاتی " اتکاء به دهقانان فقیر و دهقانان بی زمین و اتحاد با دهقانان میانه حال ، و بیطرف کردن دهقانان توانگر ؛ و مبارزه علیه مالکان ارضی " را فرمولبندی کرده و انقلاب ارضی را در مناطق وسیع روستائی گسترش دهد ؛ قدم بقدم قدرت قوود آنها را سرنگون و نابود کند ؛ و قدرت سیاسی دهقانان و پایگاههای انقلابی را برپا سازد . رفیق چارومازومدار رهبر حزب کمونیست هند (م - ل) با توجه بتجربیات گرانبهای انقلاب هند در سال گذشته خاطر نشان کرد ؛ " به دهقانان فقیر و بی زمین اتکاء کنید ؛ آنها را با اندیشه های مائو تسه دون آموزش دهید ؛ مصرانه و بطور محکم راه مبارزه مسلحانه را پیش گیرید ؛ نیرو - های پارتیزانی را بوجود آورید و در راه انهدام دشمنان طبقاتی پیش روید ؛ تنها بدینسان میتواند اوجگیری مبارزه ، بی امان بسط یابد . "

حزب کمونیست هند (م-ل) از همان آغاز تاسیس خود این مشی صحیح را اتخاذ کرده بود که " تئوری جنگ توده ای صدر مائو تنها راهیست که با پیش گرفتن آن یک نیروی انقلابی بظاهر ضعیف میتواند با موفقیت بر علیه یک دشمن بظاهر قوی مبارزه کرده و به پیروزی رسد . تاکتیک

بقیه در صفحه ۲



ما با تمام نیروی خود ، که با مشت آهنین توده های عرب و اراده تاریخ ساز خلق پشتیبانی میشود ، جنگ (آزاد بیخش) را انجام خواهیم داد .

یاسر عرفات (ابوعمار)

۱۹۷۰ -

زنده باد گسترش جنگ توده ای در فلسطین

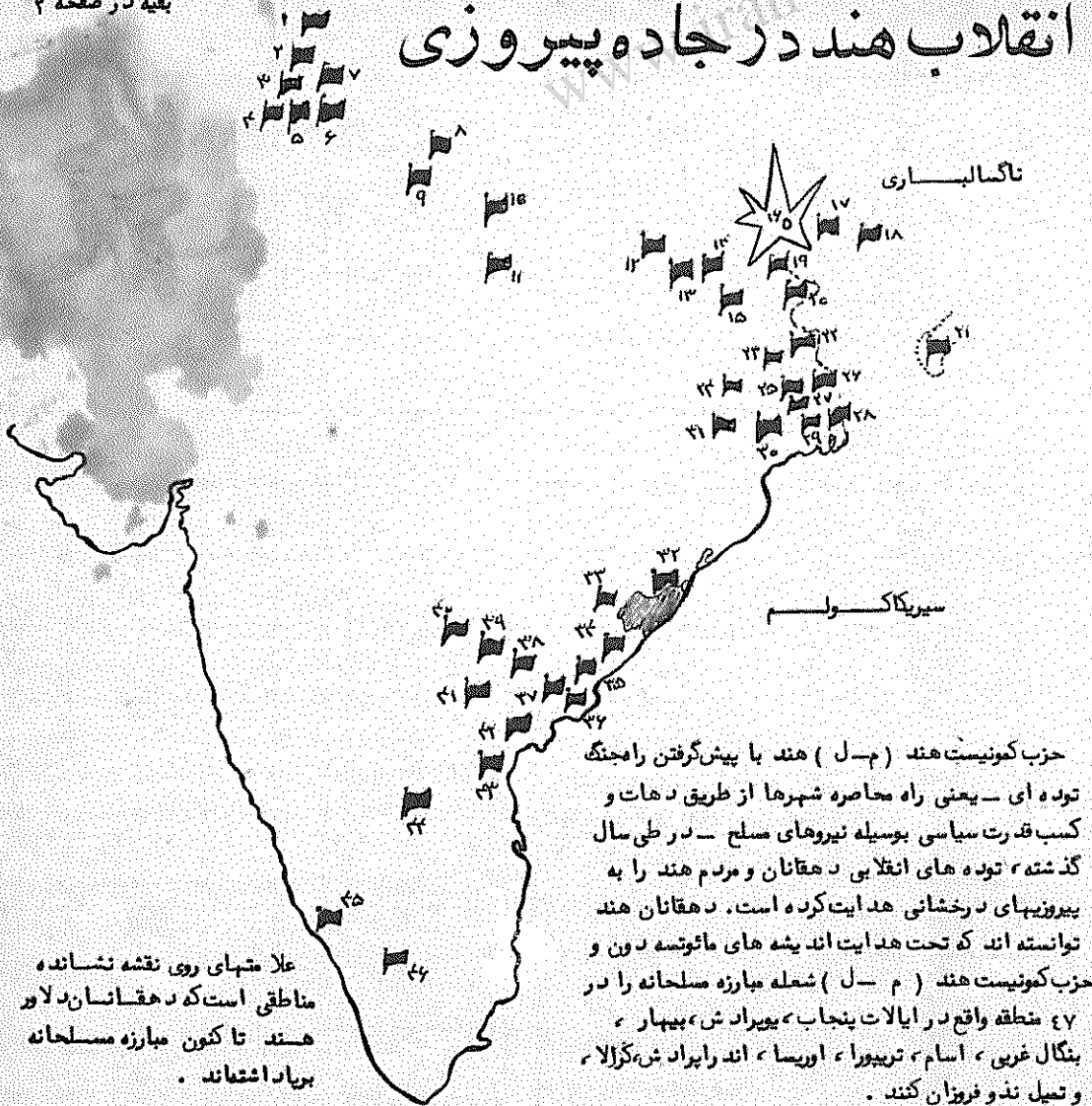
و خلق فلسطین را به پایداری و پیگیری در جنگ مسلحانه علیه امپریالیسم و صهیونیسم فرا خواند . " فتح " ارگان کمیته مرکزی سازمان رهایی بخش فلسطین بد رستی نوشت ؛ " آنچه بیشتر از همه در توطئه جدید ایالات متحده خطرناک است شاید این باشد که توطئه امپریالیسم آمریکا جهت تطبیع قدم بقدم برخی از ممالک عربی در لباس " دینی " عرضه شد . تا آنکه آنها در آخر کار خود را در جریان جنایت فرو نشانند مسئله فلسطین و خفه کردن انقلاب فلسطین پیدا کنند . " خلق فلسطین کاملاً

بقیه در صفحه ۲

امپریالیسم آمریکا دست بتوطئه یک " مونیخ " دیگر در خاور میانه زده است . روز ۱۹ ژوئن ، امپریالیسم امریک در تبتائی پشت پرده با سوسیال - امپریالیستهای شوروی توطئه جدیدی تحت عنوان " ابتکار سیاسی " جهت سرکوب انقلاب مسلحانه خلق فلسطین طرح ریزی کرده است . امپریالیسم آمریکا از طریق روجرز وزیر امور خارجه خود دول استعمارگر شوروی ، انگلستان ، فرانسه و اسرائیل و برخی از کشورهای عربی را به مهر سحه گذاردن بر این " ابتکار " نوین - معروف به " طرح روجرز " فرا خواند . امپریالیسم آمریکا بشرمانه پیشنهاد میکند که اولاً ، کشورهای عربی و اسرائیل برای مدت سه ماه متتن بس اعلام کنند ؛ در ثانی ، قید میکند که کشورهای عربی و اسرائیل میبایست برای رسیدن به " یک صلح عادلانه و پایدار " ببرگذاری مذاکرات صلح زیر نظر " فرستاده مخصوص " سازمان ملل مبادرت ورزند ؛ در ضمن کشور - های عربی حاکمیت ، تمامیت ارضی و استقلال سیاسی اسرائیل را برسمیت بشناسند . به بیان دیگر ، امپریالیسم آمریکا در تبتائی با سوسیال - امپریالیستها و برخی از دول ارتجاعی عربی که با قبول " راه حل " پیشنهادی استعمارگران آمریکائی راه تسلیم طلبی را پیش گرفته اند ، خواهان خلع سلاح نیروهای مسلح خلق فلسطین ، خفه کردن شعله انقلاب در خاور میانه و برسمیت شناخته شدن حکومت صهیونیستی اسرائیل است .

ولی ، خلق فلسطین و دیگر خلقهای عرب هرگز در دام نوینی که توسط امپریالیستهای آمریکائی و رجویی - نیستهای شوروی گسترده شده است نخواهند افتاد . در عمان (۳۱ ژوئیه) بیش از ۱۰۰ - ۷ هزار نفر مردم دست بتظاهرات اعتراضی وسیعی زدند . در لبنان (۳ اوت) نیز فلسطینی ها تظاهرات رزمنده وسیعی بر پا داشتند . کوماندهای رزمنده انقلاب فلسطین بر علمهای خود چنین نوشته بودند ؛ " سرنوشت خلق فلسطین را اسلحه جنگجویان ما تعیین خواهد کرد . " انقلاب فلسطین نه تنها فرو نمانست ، بلکه اوج بیشتری یافت . از یک تا ده اوت ، پارتیزانهای انقلاب فلسطین به بیش از ۱۳۰ حمله مبادرت ورزیدند ، و تعداد زیادی از ارتش متجاوز اسرائیل را کشته و یا زخمی نموده و بسیاری از موسسات اسرائیلی و وسایل نقلیه هوائی و زمینی را نابود کردند . کمیته مرکزی سازمان رهایی بخش فلسطین طی بیانیه ای ماهیت ارتجائی و توطئه گرانهای " مونیخ " نوین را افشا کرده ، شدیدا بآن حمله برد

انقلاب هند در جاده پیروزی



حزب کمونیست هند (م-ل) هند با پیش گرفتن راه جنگ توده ای - یعنی راه محاصره شهرها از طریق دهات و کسب قدرت سیاسی بوسیله نیروهای مسلح - در طی سال گذشته ، توده های انقلابی دهقانان و مردم هند را به پیروزیهای درخشانی هدایت کرده است . دهقانان هند توانسته اند که تحت هدایت اندیشه های مائو تسه دون و حزب کمونیست هند (م - ل) شعله مبارزه مسلحانه را در ۴۷ منطقه واقع در ایالات پنجاب ، بیهار ، بنگال غربی ، آسام ، تریپورا ، اوریسا ، اندراپرادش ، کرزلا و تمیل نندو فروزان کنند .

علا متهای روی نقشه نشانده مناطق است که دهقانان دلاور هند تا کنون مبارزه مسلحانه برپا داشته اند .

پیروز باد نبرد مسلحانه و توده ای خلق فلسطین علیه امپریالیسم امریکا و صهیونیسم